

سبحانک اللهم یا الهی ترانی مَجْباً بوجهی علی تراب الذلّ و الانکسار ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۰۶۵

هو الله

بواسطه جناب زائر حضرت پیش علیه بهاء الله
زرقان
جناب آقا ملا عباس جناب آقا یدالله جناب استاد ابوالمحمد جناب آقا فتح الله جناب استاد حیدر و سائر احبای علیهم بهاء
الله

فاروق
داربون
جناب ملاً بابا خان جناب آقا کریم و احبای الهی
کازرون
جناب میرزا ابوطالب خان جناب میرزا هاشم فریدنی علیهما بهاء الله جناب حاجی محمد ابراهیم علیه بهاء الله
سروستان

جناب میرزا فتحعلی خان جناب کربلائی باقر جناب آقا مرتضی و اخویشان جناب حاجی علینقی جناب مشهدی اسدالله
جناب عوض آقا جناب کربلائی شکرالله جناب آقا عبدالغفار شیرازی جناب غلامحسین و ابناء ایشان جناب آقا حیدر علی
جناب آقا میرزا علیمحمد جناب استاد حسن جناب ملاً محمد علی و سائر احبای الهی علیهم بهاء الله الأبهی
احبای آباءه احبای فتح آباد احبای شمس آباد احبای نیریز احبای جهرم علیهم بهاء الله الأبهی

هو الأبهی

سبحانک اللهم یا الهی ترانی مَجْباً بوجهی علی تراب الذلّ و الانکسار و اتذلل الی ملکوتک الأعلى و اتشوق الی مشاهد
الکبریاء خاضعاً لسلطنتک متضرعاً الی حضرة رحمتیک مبتهلاً الی ملکوت فردایتک مقراً بالخطاء متمنياً للعتاء



ORIGINAL

مستكشفاً للغطاء منتظراً لفيض سحاب رحمتك على المعاهد والرّبي ربّ قد احاطت قدرتك الأشياء وظهرت سلطنتك و عظمتك و سلطانك ظهور الشّمس في كبد السّماء و نفذت كلمتك في حقيقة الأكوان و ارتفع ندائك في قطب الامكان و انتشرت انوارك السّاطعة الفجر على مطالع الآفاق و اشتهرت آثارك البديعة الاشراق فخارت من مشاهدتها البصائر و الأحداق فما من ارض الاّ شاع فيها صوت امرك الكريم و ما من اقليم الاّ و ارتفع فيه علمك المبين فاستفزّ ندائك كلّ الوری و اهتزّ منه المنجذبون بنفحاتك الطّيبة الشّدا لك الحمد يا الهی علی هذه الموهبة الكبرى علی الأصفياء و لك الشّكر علی هذه الرّحمة العظمی علی الأرقاء التّقبّاء بما جعلتهم آیات التّوحید فی هذا العصر المجید و ریای التّقدیس فی هذا القرن الجدید ربّ ربّ اید الضّعفاء بشدید القوى و اجر الأذلاء فی جوار عزّتك العظمی و اشدّد ازور نفوس تهلّلت وجوههم بأنوارك و تهلّلت السنهم بذكرك و ثنائك و اجعلهم اشجار حدیقتك التّوراء و ازهار شجرتك الطّوبی و اوراق سدرك المنتهی و اوراد جنّتك العلیا انك انت الكریم الرّفیع الجناب رحیب الفناء و سبیح الرّحاب و انك انت المعین المعبود العظیم الكریم الوهاب

ای یاران عبدالبهاء این عبد را آرزو چنان که بهر یک از یاران نامه‌ئی مخصوص بنگارد ولی چه توان نمود که فرصت مفقود و مهلتی نیست و نبود مشاغل مانند امواج و غوائل بمثابه امطار دمی نیاسیم و آنی مهلت نیام هر روز اوراق از جمیع آفاق آید و از ده یک را جواب ممتنع و محال با وجود این اوراق مهمه را چاره جز جواب نه و قضایای لازمه را جز ترویج و تسهیل و تسطیر علاجی نیست لهذا معذرت خواهم و معافیت طلبم که نظر از قصور پوشند و بآنچه ممکن است قناعت نمایند

ای یاران عبدالبهاء شرق منور است غرب معطر است و جهان در جنبش و حرکت ولوله در آفاق افتاده و زلزله بارکان عالم رسیده صیت بزرگواری کلمه الله بگوش جهانیان رسیده و آوازه امر الله جهانگیر گردیده وقت فرح و شادمانی است و هنگام سرور و کامرانی باید بوصایا و نصائح جمال قدم قیام نمود و باعمال و افعالی قیام کرد که سبب نورانیت عالمست و ظهور رحمانیت بین امم جمیع من علی الأرض یعنی کلّ قبائل و شعوب هر یک تیشه‌ئی در دست گرفته و ریشه‌ئی یکدیگر را قطع نمایند خونریزند و فتنه‌انگیز تیرچنگ‌اند و بدانندیش هلاک یکدیگر خواهند و اضحلال همدگر جویند ولی قدرت آسمانی و قوت یزدانی و ید اقتدار الهی خیمه وحدت عالم انسانی در قطب امکان بلند نموده و علم صلح اعظم و دوستی و محبت و راستی و حق‌پرستی بلند کرده یاران خادم این خیمه‌اند و دوستان جنود این علم پس باید بآنچه لایق و سزاوار است برخیزند و شور و ولهی انگیزند و بر مشامها مشک معطر بیزند و بمذاقها شهد و شکر ریزند آیات هدی گردند و بشارات ملاً اعلی شوند و لشکر ملکوت ابهی نزاع و جدال را بنیاد براندازند و حرب و ضرب را آثار از عالم امکان زائل نمایند شجره بیگانگی از ریشه قطع نمایند و در گلشن آفاق نهال یگانگی بنشانند نار بغض و عداوت خاموش کنند و دریای الفت و محبت بجوش آرند آئین نفاق از لوح آفاق نسخ نمایند و آیات وفاق ثبت فرمایند خار و خس کره و عدوان را از مزرعه امکان براندازند و بگل و ریاحین اتحاد و اتفاق بیاریند و تربیت نفوس فرمایند و زبان بوصایا و تعالیم جمال مبارک بگشایند ای یاران وقت هیجان جان و وجدانست و هنگام جولان در میدان جانفشانی کنید و مهربانی نمائید و بهدایت نفوس انسانی پردازید شمعی روشن کنید و گلشنی بیارائید ایام بگذرد و زندگانی بی اثر و ثمر ماند تا وقت هست و تیر در شصت شکاری بینکنید و صیدی بنمائید این صید رضای الهی است و این شکار موهبت رحمانی یعنی عمل بموجب تعالیم یزدانی و علیکم البهاء الأبهی ع ع